

تحلیلی بر عملیاتهای فتح المبین و بیت المقدس

آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،
گزارشهای اجمالی

اشاره جنگ ایران و عراق از نظر روند تحولات و وقایع مهمی که در دوره زمانی مشخصی بروز یافته به چند مقطع تقسیم می‌شود. مقطع نخست، دوره زمینه سازی عراق برای جنگ است؛ مقطع دوم دوره پیشروی‌های عراق در خاک ایران و سپس زمین گیر شدن آن است که حدود یک سال از جنگ را شامل می‌شود؛ مقطع سوم دوره آزادسازی نام گرفته، که در آن نیروهای انقلابی و مردمی با همکاری ارتش چند عملیات بزرگ و موفق را طرح ریزی و اجرا کردند که در نتیجه آنها، ارتش عراق به عقب رانده شد و زمین‌های اشغالی از تصرف دشمن بیرون آمد. این مقطع نیز حدود یک سال طول کشید و یکی از درخشانترین مقاطع جنگ محسوب می‌شود. در این مقطع نوعی اجماع ملی بین همه طبقات و اقشار جامعه، جریان‌ها و نخبگان سیاسی و نظامی برای بیرون کردن دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی به وجود آمد؛ و تمام توان کشور برای رسیدن به هدف مزبور بسیج شد. گزارش زیر که یکی از راوایان مرکز مطالعات و تحقیقات آن را تهیه کرده است، نگاهی اجمالی به عملیات‌های برجسته این مقطع دارد. در قسمت نخست این گزارش که در شماره ۶ فصلنامه چاپ شد، دو عملیات تأمین الاثمه و طریق القدس تشریح شدند و اکنون در قسمت دوم و پایانی آن نگاهی اجمالی به دو عملیات فتح المبین و بیت المقدس می‌اندازیم.

عملیات فتح المبین

پس از موفقیت رزمندگان اسلامی در عملیات تأمین الاثمه و طریق القدس، در راستای استراتژی هجوم، دو منطقه عملیاتی زیر در دستور کار طراحان نظامی جمهوری اسلامی قرار گرفت:

- ۱) منطقه غرب کارون، خر مشهر؛ و
- ۲) منطقه غرب شوش و دزفول.

در آغاز، در شورای عالی دفاع، کارشناسان مباحث مبسوطی را درباره تعیین اولویت مناطق یاد شده مطرح کردند که سرانجام، منطقه غرب شوش و دزفول به عنوان اولویت نخست برای انجام عملیات انتخاب شد.

منطقه مزبور در غرب رودخانه کرخه (شوش و دزفول) واقع شده است که از شمال، به ارتفاعات بلند و صعب العبور تیشه کن، دالبری، چاه نفت و تپه سپیتون و از جنوب، به

ارتفاعات بلند میش داغ، تپه‌های رملی و جزایه (شیب) و از شرق، به مرز بین المللی (در شمال و جنوب فکه) منتهی می‌شود.

منطقه یاد شده، که ۲۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد، از نظر جغرافیایی، ناهموار است و افزون بر ارتفاعات میش داغ، رقابیه، برقازه، ابو صلیبی خات، تینه و... تپه ماهورهای بسیار و گاه رملی دارد. این بلندیها به دلیل پستی زمین در شرق کرخه، از نظر دید، روی شهرهای شوش و هفت تپه مشرف اند. دلایل نظامی انتخاب منطقه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- انهدام نیرو و امکانات دشمن؛

- دست یابی به خطوط پدافندی مناسب و حفاظت از آن با حداقل نیرو و به منظور آزاد کردن نیروی بیشتر برای برداشتن گامهای بلند در آینده؛

- خارج کردن شهرهای شوش، اندیمشک، دزفول و پایگاه چهارم شکاری از پوشش آتش دوربرد دشمن؛
 - دور کردن آتش مؤثر دشمن از جاده مهم و استراتژیک اندیمشک. اهواز؛
 - آزادسازی مناطقی، مانند سایت رادار، جاده مهم اندیمشک. دهلران و دهها روستای دیگر؛
 - تصرف چاههای نفتی منطقه ابو غریب؛ و ...

موقعیت منطقه و تهیه مقدمات عملیات

باتهاجم عراق به داخل خاک ایران، لشکر ۱۰ ازرقی و امکانیزه از محور شمال و جنوب فکه عبور کرد و طی مدت پانزده روز، با پشت سر گذاشتن پنجاه کیلومتر در عمق خاک ایران، خود را به رودخانه کرخه (واقع در غرب شوش و دزفول) رساند. در این محور، رودخانه کرخه به منزله عاملی طبیعی مانع از پیشروی دشمن بود. استقرار نیروهای نظامی عراق در حاشیه رودخانه کرخه موجب شد تا شهرهای شوش و دزفول هدف توپخانه سبک و سنگین قرار گیرد و مردم شهر شوش را به دلیل نزدیکی به خطوط دشمن تخلیه کنند.

در این هنگام، نیروهای خودی (سپاه و ارتش، گروههای پراکنده و ...) متناسب با وضعیت موجود، به تشکیل مواضع پدافندی در مقابل عراق اقدام کردند. در این زمان، موقعیت رودخانه کرخه به گونه ای بود که دشمن از شمال تپه های رملی (منطقه ای به نام لخیضر) تا پل نادری به رودخانه چسبیده بود، اما به دلیل پیچ و خمهای زیاد رودخانه، نیروهای خودی کماکان، در سر پل مهم صالح مشطط و پل نادری واقع در غرب رودخانه را در دست داشتند. افزون بر منطقه مزبور جبهه های دیگری، مانند دشت عباس، شوش و رقابیه گشوده شده بود.

عملیات ایذائی نیروهای خودی در این مناطق تا پیش از عملیات فتح المبین بسیار پراکنده، نامنظم و محدود بود و به جز خسارتهای ناچیز به دشمن نتیجه دیگری در بر نداشت، اما پس از موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات طریق القدس، برای انجام عملیات گسترده، این منطقه در دستور کار قرار گرفت.

انجام عملیات در ابعاد گسترده و تأمین اهداف مورد نظر

آن به مقدمات بسیاری نیاز داشت؛ بنابراین، نیروهای مسلح ضمن کسب هماهنگی لازم به تدبیر امور و تهیه ملزومات عملیات پرداختند؛ جاده های متعدد احداث شد، تعداد سنگرها افزایش یافت و برای کسب اطلاعات از دشمن و برآورد دقیق از استعداد، گسترش و تواناییهای آن شناساییهایی انجام گرفت تا معبرهای لازم در میان استحکامات دشمن اعم از میدانهای مین و سیم خاردار برای عبور نیروهای رزمنده ایجاد و محورهای عملیات تعیین شود. همچنین، افزون بر موارد مزبور، طراحی عملیات متناسب با وضعیت زمین و گسترش دشمن و تعیین سازمان رزم و انتقال امکانات و نیروهای لازم از جبهه های دیگر از جمله اقدامات اساسی بود که پیش از عملیات صورت گرفت.

اقدامات دشمن پیش از آغاز عملیات

توجه فرماندهان جنگ به منطقه عمومی شوش و دزفول پس از عملیات طریق القدس و حضور یگانهای عمل کننده موجب شد تا دشمن به منطقه مزبور حساس شود. بر این اساس، نیروهای عراقی برای ایجاد امنیت بیشتر و درک نیتهای نیروهای ایران در این منطقه به رشته اقداماتی دست زدند و بدین ترتیب، در اقدامی احتیاطی، تمامی تأسیسات اداری لشکرهای مستقر در منطقه را به عقب (فکه و ...) منتقل کردند و با فرستادن گروههای گشتی در صدد گرفتن اسیر و کسب اطلاعات مورد نیاز و آگاهی بر هدفهای نیروهای جمهوری اسلامی بودند. دشمن در پی تلاشهای خود موفق شده به طور نسبی، اطلاعاتی از اقدامات آینده رزمندگان اسلام به دست آورد و با نزدیک شدن ۲۲ بهمن (سالروز پیروزی انقلاب) و احتمال حمله ایران در این ایام، انجام عملیات آفندی را در منطقه عمومی چزابه بستان برای بر هم زدن آرایش نیروهای جمهوری اسلامی ترجیح داد. نیروهای عراقی در ساعت ۱۳:۲۱ دقیقه روز ۱۳۶۰/۱۷/۱۷ با نیروهای پیاده و زرهی (در حد یک لشکر) از چند نقطه به خطوط پدافندی رزمندگان اسلام مستقر در تنگه چزابه حمله کردند. در این محور، دشمن با بهره گیری از حجم گسترده نیروهای عمل کننده و آتش پشتیبانی موفق شد به رغم مقاومت سرسختانه

استقرار نیروهای نظامی عراق در حاشیه رودخانه کرخه

موجب شد تا شهرهای شوش و دزفول، هدف توپخانه سبک و سنگین

قرار گیرند و مردم شهر شوش این شهر را به دلیل نزدیکی به خطوط دشمن تخلیه کنند

تصرف مواضع نیروهای رزمنده به دست نیاورد و صرفاً، در نزدیکی خطوط نیروهای ایرانی مستقر شد، طوری که بنا به نقل ناظران، در صبح روز ۱۳۶۰/۱۲/۱۹، نزدیک به ۲۳۰ تانک در داخل تنگه رقابیه آرایش داده بود.

در نتیجه این تعرض، عملاً، راهکارهای شناسایی شده برای انجام عملیات مسدود و امکان حمله غافل گیرانه نیروهای خودی از بین رفت. از سوی دیگر، دشمن به دلیل خروج از استحکامات خود، امکان ضربه زدن بیشتر را برای رزمندگان فراهم کرده بود.

استعداد و گسترش دشمن در عملیات فتح المبین

حملات تعرضی دشمن و ضایعات ناشی از آن، تأخیر بیشتری را برای آغاز عملیات رزمندگان اسلام ایجاب می کرد، اما به دلیل افزایش روز افزون نیروهای دشمن در منطقه، انجام هر چه سریع تر عملیات ضروری می نمود. در این زمان، عراق چیزی در حدود ۷ لشکر زرهی، مکانیزه و پیاده را در این منطقه گسترش داده بود که جزئیات آن به شرح زیر است:

افزون بر تیپهای متعددی، که دو لشکر ۱ و ۱۰ را تقویت کرده بودند، لشکر ۳ زرهی به عنوان احتیاط وارد منطقه و مستقر شده بود.

محور دزفول تحت مسئولیت لشکر ۱۰ زرهی شامل هفت تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده بود.

محور شوش و رقابیه تحت مسئولیت لشکر ۱ مکانیزه با هشت تیپ زرهی، پیاده و مکانیزه قرار داشت.

نیروهای احتیاط و تقویتی این منطقه شامل لشکر ۳ زرهی به استعداد سه تیپ زرهی، ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه بود که چهار گردان توپخانه سازمانی خود را نیز به همراه داشت. افزون بر آن، تیپهای ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۱ مأموریت ویژه متحرک بودند که نه تنها از نیروی این تیپها در تقویت سازمان تیپهای سازمانی استفاده شده، بلکه آنها به عنوان نیروی احتیاط نیز پیش بینی شده بودند. همچنین، تیپهای ۱۰ زرهی، گارد جمهوری و ۱۴ مکانیزه نیز منطقه را پشتیبانی می کردند.

در مجموع، استعداد دشمن بر حسب تیپ، ۷ تیپ زرهی، ۶ تیپ مکانیزه، ۱۵ تیپ پیاده و تعداد زیادی ارتش خلقی و کماندو و بر حسب گردان، شامل ۲۷ گردان زرهی، ۲۵ گردان مکانیزه، ۴۵ گردان پیاده و دست کم ۱۲ گردان توپخانه را در بر می گرفت.

نیروهای خودی، دو خطوط نخست و تپه های رملی موسوم به نبته را در جناح راست خطوط رزمندگان تصرف کند. بر اساس اطلاعات به دست آمده، دشمن از این عملیات اهداف زیادی داشت. فلش اصلی این اقدام که با تبلیغات فعال رسانه های خارجی همراه شد، شهر بستان بود که در نهایت، به دلیل مقاومت نیروهای رزمنده اعم از بسیجی، ارتشی و سپاهی و به رغم طولانی شدن مدت نبرد (یک ماه) و به جای ماندن ۷۳۰ تن شهید و ۲ هزار تن مجروح بی ثمر ماند. البته، در این تک، عراق موفق شد با به جا گذاشتن ۲ هزار تن کشته و تعداد زیادی مجروح تا حدی عملیات طراحی شده نیروهای اسلام را به تعویق بیندازد.

عملیات ام الحسین

در پی تک عراق در جزایه، نیروهای برای به دست گرفتن ابتکار عمل و انحراف ذهنیت دشمن از عملیات اصلی، به طراحی عملیات ام الحسین در نزدیکی منطقه درگیری (جزایه) اقدام کردند. این عملیات، که در سه مرحله در تاریخ ۲۴، ۲۵ و ۲۶/۱۲/۱۳۶۰ در منطقه حمیدیه (جنوب کرخه نور) صورت گرفت، ضایعات نسبتاً مناسبی را به دشمن وارد آورد. در این عملیات، نیروهای عراقی متحمل ۷۰۰ تن کشته و ۱۵۰ تن اسیر شدند و تعدادی از تانک و ادوات آنان منهدم شد.

تک عراق در محور شوش

حضور فعال نیروهای اسلام در منطقه، دشمن را بسیار حساس و هوشیار کرده بود تا آنجا که یکی از فرماندهان عراقی خطاب به رده های پایین تر خود چنین می نویسد: «از تحرکات دشمن در منطقه دزفول - شوش به طور کلی، نتیجه گیری می شود که قصد حمله تعرضی وسیعی دارد، اما عملیات النصر الحاکم (عملیات جزایه) سبب اصلی عقب انداختن حمله تعرضی دشمن بوده است. ... فعال بودن هلی کوپترهای دشمن در منطقه دزفول - شوش و ... نشان دهنده این است که آنها در پی شناسایی منطقه هستند.»

درک دشمن از اقدام قریب الوقوع ایران موجب شد تا مرخصی نیروهایش را لغو کند و به سربازان خود، آموزش تاکتیکی بدهد. عراق با توجه به تجربه های به دست آمده از نبرد جزایه و همچنین، اطلاع نسبی از هدف آینده رزمندگان اسلام در آخرین ساعاتی روز ۱۳۶۰/۱۲/۲۸ در منطقه ای به وسعت ۳۵ کیلومتر از دو محور شوش (معبه های شلبیه، انکوش، شلس و تپه ۱۲۰) و تنگه رقابیه به تک اقدام کرد، اما پس از گذشت ۲۴ ساعت از آغاز درگیری، توفیق چندانی در

طراحی و مانور عملیات

پیش از تشکیل قرارگاه کربلا، سپاه پاسداران در طرح ابتدایی عملیات، مرکز هدایت عملیاتها را منطقه ۸ تنظیم کرده بود که بر اساس آن، قرار بود، یگانهای سپاه، در محور شوش، ارتفاعات ابوصلیبی خات (سایت و رادار) و در امتداد آن، به طرف شمال تپه های علی گره زد و شاوریه و دهلیز را تصرف کنند. به دلیل نامناسب بودن اهداف مورد نظر و کاهش نیافتن خطوط پدافندی خودی، فرماندهان قرارگاه تازه تأسیس کربلا با طرح مزبور موافقت نکردند.

با آغاز کار قرارگاه کربلا و هم فکری مشترک سپاه و ارتش، طرح عملیات مورد نظر مجدداً در دستور کار قرار گرفت و پس از مذاکرات بسیار، در نهایت، روی دو هدف عمده، شامل انهدام نیروهای دشمن و دسترسی به خطوط پدافندی مناسب و مطمئن توافق شد. بر این اساس، در طرح قبلی تغییراتی داده شد و گسترش عملیات تا ارتفاعات عین خوش، تینه، برقازه، رقابیه و میش داغ مد نظر قرار گرفت. از جمله مواردی که در رویارویی با دشمن همواره، مدنظر فرماندهان جنگ قرار داشت، خودداری از تک جبهه ای (حتی المقدور)، ضربه زدن به نقاط ضعف و دسترسی زودرس به عقبه و لجستیک دشمن و رعایت غافل گیری در آغاز تهاجم و ... بود. در طراحی محورهای عملیات فتح المبین، وضعیت جبهه ها و نوع آرایش دشمن تا حدی امکان به دست آوردن موارد مزبور را برای نیروهای خودی فراهم می کرد. البته، در مواردی نیز، گزیری از تک جبهه ای با دشمن نبود.

محورهای عملیاتی

در طرح عملیات فتح المبین، چهار محور در نظر گرفته شد که دو محور آن شرایط مناسبی داشتند، در حالی که دو محور دیگر بنا به دلایلی فاقد این شرایط بودند. این چهار محور عملیاتی عبارت بودند از:

محور تیشه کن، چاه نفت به سمت دشت عباس و عین خوش: این محور، که جناح لشکر ۱۰ عراق محسوب می شد، بنا به دلایلی، مانند فاصله زیاد مواضع نیروهای خودی از دشمن و وجود کوههای صعب العبور، کمتر مورد توجه نیروهای عراقی واقع شده بود. به همین دلیل، در این محور، خطوط پدافندی مستحکمی فراروی نیروهای رزمنده قرار نداشت. همچنین، محور یاد شده حساسیت ویژه ای داشت؛ چرا که در صورت رسیدن نیروهای اسلام به جاده دهلران عقبه لشکر ۱۰ مسدود می شد.

محور رقابیه در جنوب منطقه عملیاتی: این محور به دلیل وجود تنگه مهم و استراتژیک رقابیه، برای دشمن اهمیت ویژه ای داشت، اما وضعیت زمین به گونه ای بود که عملاً، جناح لشکر ۱ محسوب می شد و حرکت موفق نیروهای اسلام در این محور، دور خوردن نیروهای عراقی در منطقه عین خوش و تهدید عقبه لشکر ۱ در محور دوسلک و غرب آن را موجب می شد.

محور غرب پل نادری: در این منطقه، رزمندگان اسلام به شکل جبهه ای با دشمن روبه رو بودند، این منطقه، که از نظر عراقیها، اهمیت بسزایی داشت، با استعداد و امکانات بیشتری محافظت می شد.

محور غرب شوش: این منطقه به دلیل وجود نقاط مهمی، مانند سایت رادار از مستحکم ترین مواضع دشمن به شمار می رفت.

مأموریت قرارگاهها

برای انجام عملیات چهار قرارگاه مجزا به نامهای قدس، نصر، فجر و فتح در نظر گرفته شد و هر یک از آنها تحت مأموریت یک قرارگاه، که از نیروهای سپاه و ارتش تشکیل می شد، قرار گرفت.

قرارگاه قدس: استقرار در محور تیشه کن، چاه نفت و هدایت رزمندگان به سمت اهداف مورد نظر شامل کمر سرخ، امام زاده عباس شهر و پادگان عین خوش و ارتفاعات عین خوش و در نهایت، تصرف منطقه ابوغریب و ارتفاعات تینه مأموریت و هدف این قرارگاه بود.

قرارگاه نصر: این قرارگاه در جناح چپ قرارگاه قدس، عملیات محور غرب پل نادری را هدایت می کرد و ملزم بود تا در مراحل نخستین عملیات، نقاطی، مانند (دهلیز) شاوریه، بلقا، جفیفه، علی گره زد، تپه چشمه، پای پل، شهدا و کوت کاپون را تأمین کند. در این محور، رزمندگان اسلام به طور رودررو و جبهه ای با دشمن روبه رو شدند.

قرارگاه فجر: مأموریت انجام عملیات در محور شوش برعهده قرارگاه فجر گذاشته شد. اهداف مهم موجود در این محور، مانند سایت رادار و تأسیسات مربوط به آن موجب شده بود عملیات در این منطقه حساسیت، ویژگی و دشواری خاصی (از نظر استحکامات مقابل در خط دشمن) پیدا کند.

قرارگاه فتح: محور جنوبی منطقه، حد فاصل نهر مالحه تا شمال غربی میش داغ، به قرارگاه فتح واگذار شد، ضمن آنکه تصرف تنگه مهم رقابیه نیز از اهداف این قرارگاه بود.

استعداد و سازمان رزم

در پی این تدابیر، متناسب با وضعیت جبهه ما و دشمن، استعداد و توان زرهی ارتش و سپاه بین قرارگاههای فرعی تقسیم شد که در زیر به سازمان رزم اشاره می شود.

قرارگاه مشترک قدس: در قرارگاه قدس، تیپ ۴۱ ثارالله با شش گردان، تیپ ۱۴ امام حسین بانه گردان، تیپ ایلام، گردان مستقل علی اکبر (ع) از سپاه، تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد با سه گردان و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی با سه یا چهار گردان از ارتش حضور داشتند.

قرارگاه مشترک نصر: در قرارگاه نصر، تیپ ۷ ولی عصر (عج) بانه گردان، تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) بانه گردان از سپاه، تیپهای ۱، ۲، ۳ مجموعاً با ده گردان و تیپ ۵۸ ذوالفقار با چهار گردان از ارتش قرار داشتند.

قرارگاه مشترک فجر: قرارگاه فجر از تیپ ۳۳ المهدی با شش گردان، تیپ ۴۶ فجر با پنج گردان، تیپ ۱۷ قم، تیپ امام سجاد با یازده گردان از سپاه و لشکر ۷۷ خراسان با تیپهای ۱، ۲، ۳ از ارتش تشکیل شده بود.

قرارگاه مشترک فتح: قرارگاه فتح تیپ ۲۵ کربلا با شانزده گردان، تیپ ۸ نجف با هشت گردان از سپاه، یک تیپ از لشکر ۹۲، تیپ ۵۵ هوارد (تحت کنترل عملیاتی لشکر ۹۲) و تیپ ۳۷ زرهی شیراز از ارتش را تحت امر خود داشت.

با توجه به طرح مانور عملیات و با هماهنگی کامل فرماندهان ارتش و سپاه مقرر شده بود که نیروهای عمل کننده کاملاً ادغامی و دوشادوش یکدیگر عمل کنند. در واقع، نوع

یورش نیز متناسب با آن طراحی شده بود و قرار بود نخست، نیروهای پیاده، خطوط مقدم دشمن را تصرف کنند و سپس، نیروهای زرهی و مکانیزه که بیشتر از ارتش بودند، در صحنه تک و عملیات را پشتیبانی کنند. در همین حال، سپاه پاسداران نیز در پی عملیتهای موفق گذشته اش توانسته بود ۱۶۰ دستگاه زرهی اعم از تانک و نفربر را برای عملیات سازمان دهی و آماده کند. ارتش جمهوری اسلامی نیز ۴۶۰ دستگاه زرهی سازمان یگانهای خود را در پشتیبانی از نیروهای پیاده آماده کرده بود.

عملیات رزمندگان لازم بود با پشتیبانی آتش همراه باشد؛ بنابراین، نیروی زمینی ارتش استعداد زیر را برای این عملیات در نظر گرفت. همچنین، نیروی زمینی ارتش برای پشتیبانی آتش رزمندگان یگانهای توپخانه ای زیر را در نظر گرفته بود: گروه ۳۳ توپخانه به عنوان عمل کلی شامل گردانهای ۳۷۲ توپخانه با ۱۲۲ م. م کاتیوشا، ۳۷۶ توپخانه با ۱۲۲ م. م کاتیوشا، ۳۰۵ توپخانه با توپهای ۱۳۰ م. م، ۳۴۲ توپخانه با توپهای ۱۳۰ م. م، ۳۴۳ توپخانه با توپهای ۱۳۰ م. م بود و همچنین، یک آتشبار ۱۷۵ م. م از گردان ۳۸۷ توپخانه خود کششی، یک آتشبار ۱۷۵ م. م از گردان ۳۸۸ توپخانه خود کششی، یک آتشبار مستقل ۳۶۳ توپخانه با توپهای ۱۳۰ م. م، یک آتشبار از گردان ۳۹۹ توپخانه با توپهای ۱۳۰ م. م، یک آتشبار ۲۰۳ م. م از گروه ۱۱ توپخانه، دو گردان ۱۵۵ خود کششی و یک گردان (۳۶۵) با توپهای ۲۳ م. م برای تأمین هوایی در این عملیات وارد عمل می شدند. افزون بر توپخانه، استفاده از هوانیروز نیز



برای پشتیبانی آتش و هم برای تخلیه مجروحان و شهیدان و برعکس، تدارک رسانی مدنظر قرار گرفت. توان هوانبروز در دو گروه پشتیبانی مستقیم و یک گروه پشتیبانی عمومی شده بود و در مجموع، ۷۴ فروند بالگرد کبرا، ۲۱۴، ۲۰۶ و شنوک در اختیار این گروهها بود که مأموریت خود را انجام دهند.

در آستانه عملیات

اقدامات فشرده نیروهای اسلام و جنب و جوش زیاد آنان در منطقه به طور محسوسی، توجه دشمن را به خود جلب کرده بود. همان طور که پیش از این آمد، نیروهای عراقی با انجام عملیاتهای متعدد و استفاده از روشهای مختلف، مانند دیده بانی، گرفتن عکس هوایی و ... تا حد زیادی به قصد رزمندگان اسلام پی برده بودند. انجام عملیات دشمن در

تقویت نیروهای نظامی ایران در منطقه شوش و دزفول پس از عملیات طریق القدس باعث شد تا ارتش عراق در اقدامی احتیاطی؛ تمام تأسیسات اداری لشکرهای مستقر در منطقه را به عقب منتقل کند

تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۸ مشکلات بیشتری را پدید آورد و آغاز عملیات را به تأخیر می انداخت، اما به رغم وضعیت موجود، به دلیل افزایش حساسیتها و آمادگی بیشتر دشمن، تصمیم گرفته شد تا عملیات هر چه سریع تر آغاز شود. در همین حال، به دلیل آماده نبودن برخی از یگانها و مصادف شدن عملیات با تاریکی مطلق در شب و ... تردیدهایی نیز وجود داشت و به همین دلیل، فرماندهی سپاه برای مشورت با امام با یک فانتوم رهسپار تهران شد که امام امت در مورد درخواست توسط به استخاره و تصریح فرماندهی سپاه به این نکته که تأخیر در زمان عملیات به ضرر ما خواهد بود، می فرماید: «تا کاملاً در شک و دودلی نباشید، نمی توان از قرآن استخاره کرد، شما خودتان تصمیم بگیرید، اما اگر بخواهید می توانید برای طلب خیر از خداوند به قرآن رجوع کنید». پس از بازگشت سریع فرماندهی سپاه به منطقه و ادامه تردیدها در مورد آغاز عملیات با توصیه امام، به قرآن تفأل زده می شود و آیات سوره فتح، نوید فتح و پیروزی و نصرت خداوند را به آنان می دهد؛ از این رو، فرماندهان جنگ به رغم تردید، آماده انجام عملیات

می شوند و بر اساس آیات مورد نظر، نام فتح المبین را برای آن انتخاب می کنند.

شرح مختصر عملیات

طبق برنامه ریزی فرماندهان جنگ، عملیات باید بامداد نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۶۱ آغاز می شد، اما در شب مورد نظر، به دلیل آماده نبودن قرارگاه فجر و فتح، به رغم اعلام آمادگی قرارگاههای قدس و نصر عملیات انجام نگرفت و به مدت ۲۴ ساعت به تعویق افتاد. در نتیجه، عملیات در بامداد روز ۱۳۶۷۷۲ (سی دقیقه پس از نیمه شب) با رمز یا زهرا (س) از طرف قرارگاه کربلا با فرماندهی برادران محسن رضایی از سپاه و سرهنگ صیاد شیرازی از ارتش آغاز شد.

طبق زمان بندی عملیات قرار بود در مرحله نخست، نیروهای عمل کننده پس از طی مسافتی (گاه طولانی) در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد در تمامی محورها آماده هجوم به دشمن شوند؛ بنابراین، نیروها از غروب روز قبل، حرکت خود را به سمت سکوها ی پرتاب عملیات آغاز کردند. هر چند تاریکی مطلق حاکم بر شب امکان نزدیکی بدون دردسر را برای رزمندگان فراهم می آورد، اما مشکلاتی رانیز در زمینه پیدا کردن اهداف، عبور از موانع و میدانهای مین و ... ایجاد کرده بود. با این حال، نیروهای عمل کننده در بسیاری از محورها موفق شدند طبق قرار قبلی، خود را به نزدیکی دشمن برسانند و در انتظار دستور حمله از سوی قرارگاه مرکزی باشند. تعدادی از گردانها نیز به دلیل گم کردن راه و طولانی بودن مسافت در زمان مورد نظر نتوانستند به مناطق مورد نظر خود برسند.

با اعلام رمز آغاز عملیات، درگیری نیروهای خط شکن در محورهای مختلف آغاز شد و در بعضی از محورها، مانند محور قرارگاه نصر (علی گره زد) به دلیل آماده نبودن نیروها، آغاز درگیری تا ساعت ۳۰ دقیقه بامداد به طول انجامید.

برتری مطلق رزمندگان اسلام به رغم هوشیاری و آمادگی نسبی دشمن^(۱) در همان آغاز درگیری مشهود بود و شکستن خطوط درگیری یکی پس از دیگری، طبق طرح پیش بینی شده صورت گرفت. البته، سرعت پیشروی رزمندگان در محورهای مختلف، به نسبت میزان هوشیاری دشمن با یکدیگر متفاوت بود. در محور شوش، قرارگاه فجر با هوشیاری کامل دشمن روبه رو شد. در نتیجه، با توجه به واکنش نیروهای عراقی پیشروی آنها با کندی صورت می گرفت. رزمندگان محور قرارگاه قدس موفق شدند ضمن آزادسازی مسافتی از جاده دهلران، پادگان و شهر عین خوش

(۱) طبق اظهارات اسیران، خبر حمله قریب الوقوع نیروهای خودی از طریق عوامل اطلاعاتی دشمن به تمامی یگانها ابلاغ شده بود. همچنین، آنها عنوان کردند که در شب حمله، به یگانها اطلاع داده شد که آماده حمله نیروهای ایرانی باشند.

باروشن شدن هوا و رسیدن نیروها به مواضع قابل دفاع، عملیات برای تجدیدنیر و بازسازی یگانها تا فراسیدن شب متوقف شد. دشمن، که طی شب گذشته به شدت غافل گیر و در پاره ای از محورها خسارتهای سنگینی را متحمل شده بود، در روشنائی روز، کوشید تمهیداتی را برای مقابله با حمله نیروهای ایرانی فراهم آورد. براین اساس، عمده فعالیت خود را معطوف به محور عین خوش کرد؛ چرا که در این منطقه، به رغم تصوراتش بیشترین ضربه را متحمل شده بود و عقبه لشکر ۱۰ در معرض تهدید بود و امکان دور خوردن آن می رفت. دشمن با بهره گیری از نیروهای رانده شده از محور غرب پل نادری و عناصر پراکنده حایل در قرارگاه نصر و قدس و به کارگیری عمده نیروهای محور رقیبه، دو فلش اصلی از شرق، به غرب از سمت امام زاده عباس و از جنوب،

طرح عملیات فتح المبین متناسب با ادغام نیروهای ارتش و سپاه تهیه شده بود و قرار بود نخست نیروهای پیاده، خطوط مقدم دشمن را تصرف کنند و سپس نیروهای زرهی و مکانیزه که عمدتاً از ارتش بودند عملیات را پشتیبانی کنند

به شمال (سمت عین خوش) را در نظر گرفت و با حمایت عقبه ابو غریب، حملات خود را برای راندن نیروهای قرارگاه قدس و در نتیجه، امکان حفظ منطقه آغاز کرد و برای توفیق هر چه بیشتر آتش توپخانه و بمبارانهای هوایی متمرکزی را روی این منطقه انجام داد که در اثر آن، خسارتی را به نیروهای خودی وارد آورد. بدین ترتیب، منطقه امام زاده عباس به تصرف دشمن در آمد و تپه ۲۰۲ به طور جدی تهدید شد. مقاومت رزمندگان در این منطقه بسیار شدید بود،^(۱) اما فشار و شدت حملات عراق به حدی شدت داشت که نزدیک بود فرماندهی عملیات دستور عقب نشینی از این منطقه را صادر کند. به رغم فشارهای وارد شده، به دنبال اصرار رزمندگان حاضر در منطقه و فرماندهی محور مبنی بر حفظ دستاوردهای خود، فرماندهی عملیات بر آن شد تا با تقویت این محور از شدت حملات نیروهای عراقی بکاهد و مانع از سقوط منطقه شود.

براین اساس، تیپ محمد رسول الله (ص) از قرارگاه نصر به رغم وجود مشکلاتی، مانند عدم شناسایی و توجیه و آماده

را نیز پاک سازی کنند و در ارتفاعات جنوب عین خوش مستقر شوند. در محور قرارگاه قدس، افزون بر منطقه کمر سرخ و امام زاده عباس، تپه های ۲۰۲ نیز که در تداوم عملیات اهمیت ویژه ای داشتند، به تصرف در آمدند. در این مرحله، یگانهای قرارگاه نصر نیز موفق شدند تا افزون بر تصرف اهداف خود در غرب پل نادری شامل سه راهی قهوه خانه، کوت کاپون و تپه چشمه و دهلیز شاوریه، تپه مهم علی گره زد را آزاد و نزدیک به چهار تیپ دشمن را منهدم کنند، اما پیشروی کُند نیروهای قرارگاه فجر به دلیل تسلط دشمن حاصلی در برداشت و قرارگاه مزبور پس از درگیری در خط، به سمت خطوط قبلی خود عقب نشینی کرد. البته، در محور رقیبه، گروههای شکار تانک موفق شدند در حدود بیست تانک و نفربر دشمن را منهدم کنند.

سرعت یگانهای قرارگاه قدس و نصر در این مرحله از نکته های بارز عملیات بود. برای نمونه، استقرار توپخانه دشمن به استعداد تقریبی ۸۲ قبضه توپ در محور قرارگاه نصر در منطقه علی گره زد مانع از پیشروی رزمندگان می شد؛ بنابراین، باید در نخستین ساعتهای عملیات، رزمندگان این محور توپخانه یاد شده را تصرف می کردند. براین اساس، نیروهای خودی بدون درگیری، با سرعت هر چه تمام موفق شدند پیش از آغاز حمله، تا اعماق خطوط دشمن نفوذ کنند، در اطراف توپخانه مستقر شوند و در همان نخستین لحظه های حمله، امکان هر نوع واکنش مؤثر را از دشمن بگیرند و توپخانه را سالم تصرف کنند.

بر اساس شنود بی سیم دشمن، یگانهای عراقی این واقعه را به رده بالاتر این گونه گزارش داده اند: به ستاد فرماندهی از فرمانده توپخانه: ... توپخانه در حال سقوط است.

ستاد فرماندهی: (همراه با اعتراض و تعجب) چند گردان زرهی در جلوی شماست چگونه امکان دارد که به شما حمله شده باشد چه برسد به اینکه در حال سقوط باشید؟! فرماندهی توپخانه: تکلیف ما چیست؟

فرماندهی ستاد: (با ناباوری) نمی دانم؟!!

در محورهای دیگر نیز، سرعت عمل رزمندگان دستاوردهای مشابهی را در برداشت. برای نمونه، سنگرهای خمپاره دشمن مستقر در منطقه کوت کاپون بدون آنکه نیروهای عراقی حتی فرصت شلیک یک گلوله را پیدا کنند، به تصرف رزمندگان اسلام در آمدند و در همان نخستین لحظه ها، علیه دشمن از خمپاره های غنیمتی استفاده شد. در همین منطقه، مقرر فرماندهی یکی از یگانها به گونه ای غافل گیر شد که نه تن از فرماندهان مستقر در آن به اسارت در آمدند.

(۱) مسئولیت این محور به عهده تیپ امام حسین (ع) با فرماندهی شهید حسین خرازی بود.

شدن نیروهای این تیپ برای انجام عملیات در منطقه ای دیگر، برای این کار در نظر گرفته شد تا با استفاده از دو گردان از تیپ ۵۸ ذوالفقار ارتش و پشتیبانی زرهی تیپ ۳۷ ارتش و دو گردان از تیپ ۷ ولی عصر (عج) سپاه، شب هنگام به سمت امام زاده عباس حرکت کنند. نیروهای قرارگاه نصر در حین حرکت، با نیروهای عظیمی از دشمن، که خود را برای پاتکهای روزانه آماده می کردند، روبه رو و درگیر شدند که این درگیری تا صبح ادامه یافت و در نهایت، آنها پس از انهدام بخشی از نیروهای دشمن به عقب بازگشتند.

پاتکهای دشمن در روز دوم عملیات (۱۳۶۰/۷/۳) در محور عین خوش، به تصرف تپه های ۲۰۲ منجر شد، اما نیروهای عراقی به رغم تلاش گسترده در تسخیر کمرسرخ و عین خوش ناکام ماندند.

مرحله دوم

فرماندهان کوشیدند برای جلوگیری از پاتکهای دشمن، که هر لحظه بر قوت آنها افزوده می شد و در صورت تداوم، آثار نامطلوبی بر رزمندگان داشت، هر چه سریع تر مراحل بعدی عملیات را آغاز کنند. در مرحله دوم عملیات، مأموریت اصلی بر عهده قرارگاه فتح گذاشته شد تا در حالی که توجه اصلی دشمن به محور عین خوش معطوف بود، در شب چهارم، با تصرف تنگه رقابیه و ارتفاعات مربوط به آن عملیات را ادامه دهد. همچنین، با توجه به وضعیت پیش آمده در مرحله نخست عملیات مقرر شد تا برای جلب نظر دشمن در محور شوش به عملیات ایذائی بسنده شود. این اقدام بر عهده قرارگاه فجر قرار گرفت. در محورهای قرارگاه نصر و قدس نیز، ترمیم خطوط پدافندی و ... مدنظر قرار گرفت. در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۳۶۷/۴، قرارگاه فتح عملیات خود را از دو محور زیر آغاز کرد:

- تیپ ۲۵ کربلا به همراه یک گردان زرهی لشکر ۹۲ ارتش با هدف تصرف ارتفاعات رقابیه مستقیماً، از حاشیه تنگه رقابیه و آب گرفتگی وارد عمل شد.

- از سوی دیگر، تیپ نجف اشرف ادغامی با تیپ ۵۵ هوابرد افزون بر فلش روبه روی تنگه، محور اصلی حرکت خود را از تنگه ذلیجان^(۱) فرار داد تا بدین ترتیب، نیروهای دشمن را در تنگه رقابیه و انتهای شمالی ارتفاع میش داغ دور بزند. همچنین، در این محور، تیپ ۱ لشکر ۹۲ مأموریت یافت تا با انجام عملیات، خطوط پدافندی را از رزمندگان تحویل بگیرد و با نیروهای آفندی گامهای بعدی را بردارد. در نتیجه انجام عملیات در این محور، جبهه دشمن به سرعت سقوط کرد و

رزمندگان اسلام ضمن پاک سازی کامل تنگه رقابیه و میش داغ، ارتفاعات رقابیه را نیز تصرف کردند. در این حمله، تعداد ۱۲ قبضه کاتیوشا و ۲ قبضه توپ ۱۵۲ م.م به همراه مهمات مربوط به آنها به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

در محور قرارگاه فجر، نیروهای اسلام به دلیل تأخیر در آغاز عملیات، پس از درگیری مختصری با دشمن، به عقب بازگشتند و در منطقه درگیری قرارگاه قدس و نصر نیز، به دلیل فشارهای سنگین دشمن، آمادگی لازم برای انجام عملیات فراهم نیامد.

دشمن، که تا این زمان، تمام توان اصلی خود را صرف محور شمالی (عین خوش) کرده بود، پس از سقوط تنگه رقابیه، متوجه تهدیدی جدی از محور جنوبی شد و جبهه خود را با گسیختگی و از هم پاشیدگی روبه رو دید. این بار، نیروهای عراقی از فشار خود در محور عین خوش کاستند و پاتکهای سنگینی را در منطقه رقابیه و ارتفاعات آن تدارک دیدند. فشار نیروهای عراقی در این منطقه به حدی بود که چند بار خطوط پدافندی رزمندگان در داخل تنگه تهدید به سقوط شد، اما روحیه بالای نیروهای رزمنده در نهایت، از سقوط مجدد منطقه فتح جلوگیری کرد.

فرمانده تیپ ۹۶ ارتش عراق به هنگام اسارت در توصیف وضعیت نیروهای عراقی در منطقه گفت:

«ترتیب نیروهای عراقی به هم خورده و از فرماندهی واحدی برخوردار نیستند؛ زیرا، یگانها تارده گردان از واحدهای متبوع خود منفک شده و به دیگر یگانها مأمور می شوند و هر کجا احساس خطر شود، یگانها را پراکنده می کنند که این امر برای ارتش عراق نوعی ضعف است.»

مرحله سوم

شکست سنگین عراق در مرحله دوم عملیات، تسلط نیروهای خودی بر عقبه های دشمن، از هم پاشیدگی نیروهای عراقی و توفیق نیافتن آنها در پاتکهای انجام شده، فرماندهان عملیاتی را بر آن داشت تا با استفاده از فرصت به دست آمده، ضمن جلوگیری از فرار و عقب نشینی احتمالی نیروهای دشمن، با انجام عملیات به انهدام سنگین نیروهای باقی مانده در این منطقه بپردازند. بر این اساس، روز ۶۷۷۷ به عنوان آغاز مرحله سوم عملیات انتخاب شد. اهداف این مرحله عبارت بودند از: تصرف اهدافی که قرارگاه قدس در مرحله نخست عملیات از دست داده بود (امام زاده عباس - تپه ۲۰۲)، رسیدن به منطقه ابو غریب و استقرار در ارتفاعات تینه و در نهایت، الحاق با قرارگاههای دیگر.

(۱) تنگه ذلیجان در هفده کیلومتری جنوب تنگه رقابیه قرار دارد. تنگه مزبور در آغاز برای عبور نیروی عظیم قابل استفاده نبود، اما این امر در نتیجه تلاش رزمندگان، به ویژه برادران جهاد سازندگی و نیز شکافتن میش داغ و احداث جاده امکان پذیر شده و جاده برای عبور آماده شد.

عمده ترین شاخص تعیین کننده بود. ارتش عراق به هنگام ورود به خاک ایران به دلیل دست نیافتن به اهداف از پیش تعیین شده، به اجبار، خطوط پدافندی نامناسبی داشت، طوری که خطوط یاد شده ضمن جناح دادن به نیروهای اسلام عقبة یگانها نیز در دسترس رزمندگان قرار قرار می داد. بر این اساس، طراحان عملیات ضمن بهره گیری از نقاط ضعف دشمن، عمده فلسفهای اصلی عملیات را بر جناحهای خطوط دشمن ترسیم کردند و دست یابی به عقبة آنان را به عنوان هدف برگزیدند. توجه به این امر موجب شد تا در نخستین مراحل عملیات، به دلیل سقوط تعدادی از عقبة یگانها، جبهه دشمن متزلزل شود و در نتیجه، رزمندگان با سرعت بیشتر به اهداف خود دست یابند. در سندی، که در این عملیات از دشمن به دست آمده، درباره شیوه رزم نیروهای خودی به نکات مهمی اشاره شده است. در قسمتی از این سند، که به لشکر ۵ مکانیزه مربوط است و امضای سرتیپ ستاد ماهر عبدالرشید در زیر آن می باشد، آمده است:

«روش جنگ دشمن (ایرانی) در آخرین نبردش در منطقه استحفاظی سپاه ۴ (شوش و دزفول) ویژگیهای زیر را داشت: ۱) نیروهای پیاده دشمن (ایرانی)، چه از نظر اعتماد و چه از نظر کثرت نیروها رکن اساسی عملیات بودند و دشمن پس از اطمینان از پیروزی محدود، نیروی زرهی خود را وارد عمل کرد.

۲) دشمن با نیروی اصلی خود به دو جناح نیروهای ماهجوم آورد و جبهه را با نیروی کمتری تأمین کرد.

۳) دشمن در حملات خود، به هجوم شبانه و نخستین ساعت‌های شب تکیه داشت.

۴) هدف دشمن در عملیات هجومی، رسیدن به قرارگاه یگانها و ستادها و مواضع توپخانه بود تا بدین ترتیب، تشکیلات فرماندهی و مراکز پشتیبانی آتش را فلج کند.

۵) دشمن، همچون گذشته، با اجرای آتش تهیه، به حمله اقدام نمی کند، بلکه از آتش سنگین توپخانه و مؤثر خود در عملیات استفاده می کند.

۶) نیروهای هوایی و هوانیروز دشمن هنوز موفق نشده اند به برتری هوایی نسبت به نیروهای خودی دست یابند، اما در این عملیات، فعالیت بیشتری از خود نشان داده اند».

مهندسی: واحدهای مهندسی جهاد سازندگی، ارتش و سپاه امور مربوط به مهندسی را بر عهده داشتند. در عملیات مزبور، این واحدها به طور ادغامی وارد عمل شدند و جهاد سازندگی در این راستا از کارایی بالایی برخوردار بود. فعالیت‌های مهندسی در امر راه سازی، احداث خاکریز و

در محور شوش، که دشمن همچنان، سرسختانه در آنجا مقاومت می کرد، با تغییر مانور، مأموریت تصرف سایت رادار، که از اهداف مهم این محور محسوب می شد، بر عهده قرارگاه نصر قرار گرفت تا از شمال به جنوب، به پهلوئی دشمن حمله کند. قرارگاه فجر نیز مأموریت یافت تا در جبهه شوش با دشمن درگیر شود و در صورت امکان، ضمن الحاق با قرارگاه نصر، خود را به منطقه دوسلک برساند. همچنین، مقرر شد، هم زمان با این محور، قرارگاه فتح نیز برای تصرف برق‌زده اقدام و ضمن آن، در منطقه دوسلک با قرارگاه نصر و فجر الحاق کند.

نیروها پس از حرکت در شب هفتم عملیات متوجه شدند که دشمن بسیاری از مناطق را تخلیه و عقب نشینی کرده است. در واقع، در منطقه رقابیه، دشمن برای جلوگیری از دور خوردن نیروهایش و انهدام بیشتر، برق‌زده را رها و تا دوسلک و اوای عقب نشینی کرده است. در منطقه عین خوش نیز نیروهای عراقی دشت عباس (امام زاده عباس) و ارتفاع ۲۰۲ را تخلیه و تا ابو غریب عقب کشیده بودند. با اینکه نیروهای عراقی در محور شوش مقاومت ضعیفی از خود نشان دادند، اما تصرف سایت رادار در منطقه به سهولت انجام پذیرفت. برای نخستین بار، در این محور، قرارگاه فجر موفق شد خطوط دشمن را بشکافد و نیروهای عراقی را تا دوسلک عقب براند. از این پس، دیگر جنگ سختی در نگرش و با عقب نشینیهای دشمن، نیروهای اسلام در تعقیب آنها، گام به گام پیش رفتند. با فرا رسیدن روز، هر لحظه بر تعداد اسیران افزوده می شد و نیروهای عراقی دسته دسته، خود را تسلیم رزمندگان اسلام می کردند. در این مقطع، تلاش عمده رزمندگان رساندن خود به عقبه های دشمن و جلوگیری از فرار نیروهای آنان بود، اما در این امر، توفیق چندانی حاصل نشد.

سرانجام، رزمندگان اسلام در ۱۳۶۷/۹ پس از هشت روز جنگ موفق شدند به تمامی اهداف خود دست یابند و با استقرار روی ارتفاعات تینه، برق‌زده، رقابیه و میش داغ دشمن را تا رودخانه دویرج و تپه های ۱۸۲ در جنوب ارتفاعات برق‌زده عقب برانند.

نکته‌هایی درباره عملیات

طراحی عملیات: طراحی عملیات فتح المبین از جمله ابتکارات و نوآوریهای رزمندگان در این مقطع محسوب می شود. در طراحی این عملیات، عوامل متعددی دخالت داشتند. چگونگی آرایش و گسترش دشمن در منطقه

بیمارستان صحرائی: در این عملیات، برای نخستین بار، در جریان جنگ تحمیلی، بیمارستانهای صحرائی مجهز به اطاق عمل و (به طور متعدد) در این عملیات به کار گرفته شد و بدین ترتیب، با اقدامات و با پیگیریهای اولیه در این بیمارستانها مجروحان زیادی از خطر مرگ نجات یافتند.

نتایج به دست آمده از عملیات فتح المبین

عملیات بزرگ فتح المبین در مدت کوتاهی دستاوردهایی را برای ایران داشت و گذشته از پیامدهای سیاسی و اجتماعی مناسب، ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک جمهوری اسلامی شامل منطقه سایت رادار، جاده مهم دزفول و دهلران و مراکز دیگر آزاد شدند، شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک و همچنین، مراکزی، مانند پایگاه شکاری دزفول و از زیر دید و تیر مؤثر دشمن خارج شد و توان بسیار زیاد و مؤثری از دشمن از بین رفت.

در این عملیات تعداد بسیار زیادی از نیروهای ارتش عراق به اسارت درآمدند که در بین آنها ۳۵ نفر لبنانی، ۱۵ نفر سودانی، ۱۲ نفر سومالیایی، ۵ تونسی، ۳ لیبیایی و یک نفر فلسطینی وجود داشت.

در واقع، تمامی یگانهای موجود دشمن، که به نوعی در عملیات دیگر بودند، خسارات و تلفاتی را متحمل شدند که در زیر نام برخی از یگانها و میزان خسارات آنان ذکر می شود. تیپ ۴۲ زرهی از لشکر ۱۰، ۹۰ درصد؛ تیپ ۱۷ زرهی از لشکر ۱۰، ۶۰ درصد؛ تیپ ۲۴ مکانیزه از لشکر ۱۰، ۶۰ درصد؛ تیپ ۳۴ زرهی از لشکر ۱، ۸۰ درصد؛ تیپ ۱ مکانیزه از لشکر ۱، ۱۰۰ درصد؛ این تیپ طی عملیات، دو بار تجدید سازمان شد؛ تیپ ۲۷ مکانیزه لشکر ۱، ۸۰ درصد؛ تیپ ۶۵ زرهی لشکر ۳، ضربه ای نخورد؛ تیپ ۸ مکانیزه لشکر ۳، (اطلاعی در دست نیست)؛ تیپ ۱۲ زرهی لشکر ۳، (اطلاعی در دست نیست)؛

مواضع پیش از عملیات آغاز شد و نقش بسزایی در پیشبرد اهداف رزمندگان ایفا کرد.

برای نمونه، کار سخت و دشوار واحدهای مهندسی در محور میش داغ که به رغم کمبودهای زیاد، با تلاش شبانه روزی به مدت یک ماه صورت گرفت، به شکافته شدن تنگه ذلیجان و احداث جاده برای عبور رزمندگان در این نقطه منجر شد.

سازمان رزم سپاه پاسداران، که مسئولیت فرماندهی و هدایت بسیج رانیز بر عهده داشت، به مرور زمان و متناسب با نیازهای جبهه، سازمان خود را از نظر کمی و کیفی گسترش داد. سیستم اداره جنگ مردمی در عملیاتهای ثامن الائمه و طریق القدس به صورتی ابتدایی شکل گرفت و در عملیات فتح المبین، با تغییرات عمده ای گسترش یافت. در این عملیات، سپاه به طور چشم گیری، سازمان خود را گسترش داد، به گونه ای که ۱۲ تیپ را آماده و به میدان وارد کرد، در حالی که در عملیات طریق القدس، تنها چهار تیپ وارد عمل شده بودند. همچنین، در این عملیات، سپاه برای نخستین بار، سازمان لشکر را تدارک و آزمایش کرد، در ضمن، باید یادآور شد که در این عملیات، به رغم تفاوت بافت نیروهای ارتش و سپاه، فرماندهی مشترک از بالاترین رده فرماندهی تا پایین ترین واحدهای رزمی به کار گرفته شد. ادغام نیروها از رزمندگان تارده فرماندهان و تشکیل قرارگاههای مشترک در وضع مطلوبی به اجرا درآمد. کامل کردن نقاط قوت و ضعف نیروها از سوی یکدیگر نکته مهم در این ادغام بود.

همچنین، در این عملیات، مردم به طور بی سابقه و گسترده ای حضور یافتند و معنویت عمیقی بر جبهه ها حاکم بود. حضور غیر قابل انتظار نیروهای بسیجی را باید یکی از دلایل گسترش کیفی و کمی نیروی رزم سپاه در این عملیات دانست.

خسارات و تلفات وارد شده بر ارتش عراق در عملیات فتح المبین

غنیمتهای به دست آمده		انهدام امکانات و تجهیزات	
تاک و نفربر	۳۲۰ دستگاه	تاک و نفربر	۳۶۱ دستگاه
خودرو	۵۰۰ دستگاه	هوپیما	۱۸ فروند
توپخانه	۱۶۵ قبضه	کشته ها و مجروحین	۲۵۰۰۰ نفر
و نیز مقادیر زیادی اسلحه و تجهیزات انفرادی که به غنیمت رزمندگان اسلام درآمده بود		اسیران	۱۵۰۰۰ نفر

ارتش عراق به هنگام ورود به خاک ایران به اجبار خطوط پدافندی نامناسبی اتخاذ کرده بود، طوری که خطوط یاد شده ضمن دادن جناح به نیروهای ایران، عقبه نیروهای عراق را نیز در دسترس این نیروها قرار می داد

داخل و خارج داشت. خارج کردن شهر اهواز از تیررس گلوله‌های توپ دشمن از اهداف دیگر عملیات بود. همچنین، در صورت امکان رسیدن به ساحل شط العرب و تصرف شرق بصره برای دست‌یابی به خطوط پدافندی مطمئن در دستور کار نیروهای عملیاتی قرار داشت.

در تدارک مقدمات عملیات

بلافاصله، پس از پایان عملیات فتح المبین، انجام مقدمات کار و کسب آمادگی لازم برای عملیات آغاز شد. یگانها و واحدهای رزمی ظرف مدت اندکی موفق شدند خود را برای آغاز عملیات بیت المقدس، آماده کنند. از این نظر، سرعت بالای یگانها در امر بازسازی نیروها و آماده شدن برای نبرد بزرگ دیگری یکی از ویژگیهای عمده عملیات بیت المقدس بود. نکته درخور توجه اینکه، فاصله بین دو عملیات بیش از یک ماه نبود، در حالی که دشمن بیش از یک سال و نیم در منطقه مستقر بوده و در فرصت کافی، تدابیر دفاعی لازم را اتخاذ کرده بود. آنها در خطوطی که هدف تهاجم قرار می گرفت، از آمادگیهای بالایی برخوردار بودند، اما فرصت یک ماه برای نیروهای خودی، که الزاماً باید به نیروهای دشمن حمله و آنها را در سنگرها و دژهایشان منهدم می کردند، مدت زیادی به حساب نمی آمد.

در این فاصله اندک رزمندگان، برای آماده‌سازی عملیات اقدامات بسیاری را انجام دادند که در زیر، به طور خلاصه به مهم‌ترین آن اشاره می شود:

- انجام شناساییهای دقیق از خطوط مقدم و مواضع در عمق دشمن از طریق اعزام نیروهای زبده گشتی، شناسایی سپاه و گرفتن عکسهای هوایی از مواضع دشمن از سوی نیروی هوایی ارتش؛

- بازسازی یگانهای عمل کننده شامل اعزام و سازمان دهی نیروهای مردمی به عنوان بسیجی و تکور و همچنین، کادر پاسدار در سازمان سپاه و جایگزینی نیرو و امکانات و تغییرات در سازمان ارتش؛

- نقل و انتقال گسترده امکانات و جنگ افزارها از منطقه عملیاتی فتح المبین به محورهای سوسنگرد، اهواز - آبادان؛ - طراحی عملیات شامل سازمان رزم و ادغام نیروهای رزمنده

تیپ ۵۰۵ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۴۲۳ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۶۰ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۹۳ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۹۹ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۵۱ زرهی، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۲۲۶ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۹۶ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۱۰۹ پیاده، ۱۰۰ درصد؛ تیپ ۱۰ زرهی، ۱۰ درصد؛ تیپ گارد ریاست جمهوری، (اطلاعی در دست نیست) و یگانهای دیگر.

در این عملیات، از نیروهای سپاه پاسداران ۲۵۰۰ تن و از نیروهای ارتش نیز ۵۰۰ تن شهید شدند که گستردگی عملیات و دستاوردهای چشم گیر آن نشان دهنده پیروزی قاطع نیروهای عمل کننده است.

* * *

فتح خرمشهر (عملیات بیت المقدس)

با پایان عملیات فتح المبین، به نیروها ابلاغ شد تا هر چه سریع تر، خود را برای عملیات دیگری از سلسله طرحهای کربلا آماده کنند. منطقه مورد نظر برای عملیات جدید از شمال، به رودخانه کرخه نور و هویزه؛ از جنوب، به اروندرود و خرمشهر؛ از شرق، به رودخانه کارون؛ و از غرب، به هورالهویزه و مرزبین المللی در شرق بصره منتهی می شد. این منطقه در مجموع، زمینی به وسعت ۵۴۰۰ کیلومتر مربع را دربر می گرفت که سه برابر وسعت منطقه عملیاتی فتح المبین بود. در این منطقه، عارضه طبیعی مهمی (برای استفاده به عنوان جان پناه در طرحهای هجومی)، به غیر از جاده آسفالت و نسبتاً مرتفع اهواز خرمشهر و رودخانه‌های کارون و کرخه که در واقع، برای خطوط پدافندی نیروهای عراقی کمک بزرگی محسوب می شد، وجود ندارد و زمین آن بیشتر مسطح است.

اهداف عملیات

در واقع، اهداف کلی عملیات بیت المقدس در راستای اهداف مشخص شده در سلسله عملیاتی طرح کربلا قرار داشت. انهدام نیروهای دشمن، آزادسازی نیروهای خودی و در نتیجه، دست‌یابی به خطوط پدافندی جدید و کسب شرایط لازم برای حمله تعیین کننده نهایی، از اهداف این عملیات بودند. البته، آزادسازی شهر خرمشهر، جدا از دستاوردهای نظامی، آثار و تأثیرات سیاسی بسیاری نیز در

سپاه و ارتش، تعیین خط حد و محورهای عملیاتی و همچنین، مراحل پیش‌بینی شده در آفند، تعیین محل و چگونگی پایان عملیات و خطوط پدافندی مورد نظر و...؛
-آموزش نیروها متناسب با نوع عملیات؛ و
-پیگیری و تهیه نسبی امکانات لازم.

استعداد و سازمان رزم

با توجه به اهداف و گستردگی منطقه عملیات، هر یک از دو نیروی ارتش و سپاه سازمانی را برای عملیات مشترک تهیه کردند. در فاصله پیش از آغاز عملیات، سپاه پاسداران موفق شد یگانهای خود را تقویت کند، گسترش دهد و برای عملیات به شرح زیر آماده کند: تیپهای ۲۵ کربلا، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین(ع)، ۳۱ عاشورا، ۲۱ امام رضا(ع)، ۳۷ نور، ۴۱ ثارالله، ۷ دزفول، ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)، ۴۶ فجر و ۲۲ خرمشهر که هر کدام از آنها استعداد ۷ تا ۸ گردان داشتند. نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز پس از عملیات فتح‌المبین، با انتقال یگانهای خود موفق شد آنان را برای عملیات در محور اهواز، خرمشهر، آماده کند. یگانهای ارتش بدین شرح بود: لشکرهای ۱۶ زرهی با ۳ تیپ، ۲۱ پیاده حمزه به استعداد ۴ تیپ، ۹۲ زرهی با ۳ تیپ و همچنین، تیپهای مستقل ۵۵ هوآبرد، ۵۸ پیاده ذوالفقار، ۲۳ نوهد (تکاور)، ۳۷ زرهی شیراز. بدین ترتیب در مجموع، ارتش ۱۳ تیپ، به استعداد سه تا چهار گردان آماده عملیات کرد.

در ضمن، به جز استعداد مزبور، برای رفع کاستیهای عملیات فتح‌المبین، هر یک از نهادهای نظامی نیرویی برای انجام عملیات تکمیلی در آن محور، در نظر گرفته بودند که از سوی سپاه لشکر فجر به استعداد تیپهای ۱۷ قم، ۱۳ المهدی، امام سجاد و از طرف ارتش لشکر ۷۷ بود. در مجموع، متناسب با توانایی یگانها و کلیات مانور عملیات، واحدهای مزبور به صورت زیر سازمان یافتند.

قرارگاه کربلا مرکز هدایت عملیات مشترک ارتش و سپاه بود. قرارگاه قدس با لشکرهای قدس (سپاه) و ۱۶ زرهی (ارتش) با پنج قرارگاه فرعی؛ قدس ۱: تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی (ارتش) و تیپ ۳۱ عاشورا (سپاه)؛ قدس ۲: تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی (ارتش) و تیپ ۲۱ امام رضا (سپاه)؛ قدس ۳: تیپ ۳ از لشکر ۱۶ زرهی (ارتش) و تیپ نور (سپاه)؛ قدس ۴: تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار (ارتش) و تیپ ۴۱ ثارالله (سپاه) و قدس ۵: یک گروهان از گردان ۲۴۵ تانک (ارتش) و تیپ بیت‌المقدس (سپاه).

مسئولیت هدایت محور شمالی عملیات را برعهده داشت. قرارگاه فتح در جبهه میانی عمل می‌کرد و یگانهای زیر را تحت امر خود داشت: لشکر فتح (سپاه) و لشکر ۹۲ زرهی (ارتش) که پنج قرارگاه فرعی فتح ۱: تیپ ۱۴ امام حسین(ع) (سپاه) و تیپ ۱۱ از لشکر ۹۲ (ارتش)؛ فتح ۲: تیپ ۲ از لشکر ۹۲؛ فتح ۳: تیپ ۸ نجف (سپاه) و تیپ ۳ از لشکر ۹۲ (ارتش) و فتح ۴: تیپ ۲۵ کربلا (سپاه)، تیپ ۳۷ زرهی (ارتش) و تیپ ۵۵ هوآبرد (ارتش) را شامل می‌شد.

در جناح چپ منطقه عملیاتی نیز قرارگاه نصر با لشکر نصر (سپاه) و لشکر پیاده ۲۱ حمزه (ارتش) با پنج قرارگاه فرعی نصر ۱: تیپ ۷ دزفول (سپاه) و تیپ ۱ از لشکر ۲۱ (ارتش)؛ نصر ۲: تیپ ۱۲ از لشکر ۲۱ (ارتش) و تیپ ۲۷ رسول‌الله(ص) (سپاه)؛ نصر ۳: تیپ ۴۶ فجر (سپاه) و تیپ ۳ از لشکر ۲۱ (ارتش)؛ نصر ۴: تیپ زرهی (ارتش) و نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهد (ارتش) و تیپ ۲۲ بدر (سپاه) وارد عمل می‌شد.

استعداد و سازمان توپخانه

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی برای این عملیات دو گروه توپخانه ۲۲ و ۲۳ را در نظر گرفته بود که گروه ۲۲ توپخانه پنج گردان توپخانه و ضدآتش بار را شامل می‌شد. گروه ۲۳ توپخانه نیز شامل پنج گردان توپخانه و سه آتشبار بود.



استعداد هوایروز

در عملیات بیت المقدس، هوایروز سه گروه رزمی پشتیبانی را برای عملیات آماده کرد که شامل گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲ جمعاً با ۲۴ فروند بالگرد، گروه رزمی پشتیبانی عمومی شماره ۴ با ۳۷ فروند بالگرد و گروه پشتیبانی مستقیم شماره ۳، جمعاً با ۱۴ فروند بالگرد بود. مجموع بالگردهای آماده عملیات ۷۵ فروند بود که ۲۴ فروند آن کبرا، ۲۸ فروند آن از نوع ۲۱۴، ۱۰ فروند از نوع ۲۰۶ و ۱۳ فروند شنوک بود.

افزون بر توپخانه مزبور و آتش پیش بینی شده از طریق هوایروز، استفاده از هواپیماهای نیروی هوایی ارتش در بمباران عقبه و مراکز تجمع دشمن، استفاده از ادوات برای آتش سبک و کوتاه نیز در پشتیبانی عملیات پیش بینی شده بود. سپاه نیز در زمینه ادوات از استعداد درخور توجهی برخوردار بود و از یک لشکر زرهی که با استفاده از مجموع تانکهای غنیمتی دشمن تأسیس شده بود، بهره می جست، که از نظر سازمانی، در احتیاط قرارگاه کربلا قرار داشت.

وضعیت دشمن

نیروی نظامی رژیم بعث پس از عملیات ثامن الائمه و طریق القدس، متناسب با روند جنگ و تحولاتی که در شیوه رزم نیروهای ایران ایجاد شده بود، خطوط پدافندی جدیدی را انتخاب کردند تا بتوانند از مواضع خود بهتر دفاع کنند. بر این اساس، دشمن رودخانه کرخه نور (کرخه کور) در شمال و سراسر رودخانه کارون از جنوب اهواز تا خرمشهر در شرق را به عنوان خط پدافندی خود انتخاب کرد تا بدین ترتیب، ضمن تسلط بر شهر خرمشهر و حفظ منطقه ای به وسعت ۵۴۰۰ کیلومتر مربع، خوزستان را همچنان، در معرض تهدیدهای خود داشته باشد.

هر چند رودخانه کرخه نور عرض کمی داشت، اما در این مقطع، به دلیل ایجاد استحکامات بسیار، موانع متعدد، میدانهای مین، سیم خاردار و رده های مختلف خاکریز و تعبیه سنگرهای تیربار به صورت مانع عبور ناپذیری برای نیروهای پیاده درآمده بود. همچنین، در آخرین رده های موانع یاد شده، آشیانه های تانک را در فاصله های کوتاهی قرار داده بودند که به هنگام درگیری نیروهای پیاده با ریختن آتش شدید می توانست تلفاتی را به نیروها وارد آورد و مانعی جدی برای عبور آنها باشد.

در ساحل رود کارون، دشمن به دلیل پیچ و خمهای زیاد رودخانه، که استقرار نیروی زیادی را می طلبید، خط منظم و

پیوسته ای نداشت. خطوط پدافندی نیروهای عراقی در این منطقه با مقداری فاصله از رودخانه، به شکل رده های مختلف که در نهایت، به خاکریزی که روی جاده بلند اهواز - خرمشهر زده شده بود، منتهی می شد. محور خرمشهر به دلیل اهمیت و موقعیت سوق الجیشی شهر و عارضه های اطراف آن حساسیت بیشتری برای دشمن داشت. بر این اساس، نیروهای عراقی افزون بر احداث خاکریز و سیل بندهای متعدد شرقی - غربی و شمالی - جنوبی در شمال شهر و احداث موانع و تشکیل مواضع و رده های مختلف استقرار نیرو، داخل شهر را نیز برای یک جنگ تمام عیار با احداث تونل در داخل خانه ها، سنگرهای مخفی تیربار، مسدود کردن کوچه و خیابانها و ... آماده کرده بودند.

متناسب با تغییر و تحولات جبهه خودی و نقل و انتقالات انجام شده از منطقه شوش و دزفول به اهواز، آبادان و سوسنگرد، دشمن نیز که طبق شواهد، متوجه نیت رزمندگان شده بود، ضمن تقویت نیروهای خود در منطقه عمومی شمال خرمشهر، جنوب اهواز تا هورالهویزه، به انتقال یگانهای سالم و آسیب دیده از منطقه عمومی فتح المبین اقدام کرد و در فاصله بین دو عملیات، اقدامات وسیعی را برای کسب آمادگیهای لازم انجام داد. بدین ترتیب، دشمن افزون بر نیرو و امکاناتی که در خط داشت (استعداد تقریبی ۳ لشکر تقویت شده)، استعداد و امکانات عظیمی را به عنوان احتیاط به منطقه فرستاد و نیروهای خود را در مناطقی، مانند جعفر، خط مرزی و شلمچه و منطقه عمومی شرق بصره استقرار داد. مسئولیت منطقه در اختیار سپاه سوم عراق قرار داشت. سپاه مزبور لشکر ۶ زرهی خود را در جنوب کرخه نور و در امتداد رودخانه، حد فاصل هویزه تا جعفر و لشکر ۵ پیاده مکانیزه را در جنوب رودخانه کرخه نور، غرب اهواز تا حدود آب گرفتگی واقع در غرب رود کارون و لشکر ۱۱ پیاده را به سمت جنوب تا خرمشهر قرار داده بود. لشکر ۱۵ نیز مسئولیت غرب اروندر ابر عهده داشت. با آغاز فعالیت نیروهای خودی برای کسب آمادگی، دشمن استعداد خود را با تیه های مستقل و در احتیاط قرار دادن لشکرهای ۳، ۹، ۱۰ و ... تقویت کرد. افزون بر آنکه، طی عملیات، یگانهای دشمن به طور روز افزونی افزایش یافتند.

در مجموع، در این عملیات، دشمن هشت لشکر سازمانی و نزدیک به بیست تیپ مستقل داشت و به طور کلی، از ۱۱ تیپ زرهی، ۷ تیپ مکانیزه و ۲۶ تیپ پیاده یاب به تعبیر دیگر، از ۴۱ گردان زرهی، ۲۳ گردان مکانیزه و ۹۸ گردان پیاده، ۱۰ قاطع جیش الشعبی ۵۵۰ نفره و ۳ گردان شناسایی بهره می برد.

روی هم رفته، در این عملیات، دشمن از ۱۳۰۰ تانک، ۱۳۰۰ دستگاه نفربر، ۳۶۰۰۰ نیروی پیاده، ۵۳۰ قبضه انواع توپخانه، استعداد بالایی از هواپیما و هوانیروز استفاده کرد.

طرح مانور

پس از تشکیل جلسه‌های متعدد و بحث و تبادل نظر فرماندهان ارتش و سپاه، با توجه به وضعیت زمین و نوع آرایش دشمن، طرح مانور عملیات تهیه شد که در آن، برای انجام عملیات، سه قرارگاه عملیاتی قدس، نصر و فتح در نظر گرفته شده بود.

در طرح مانور، در مرحله نخست عملیات، تصرف سرپلهایی در جنوب رودخانه کرخه نور، در محور شمال و غرب رودخانه کارون در محور میانی و جنوبی (جناح چپ) به عنوان اقدام مسلمی ترسیم شده بود؛ چرا که تنها در این صورت، امکان تقویت نیرو و امکانات در ساحل دور و پیشروی به سوی اهداف تعیین شده امکان پذیر بود. خط حد قرارگاه قدس در محور شمالی و کرخه‌کور و قرارگاههای نصر و فتح در محور کارون و شمال خرمشهر قرار داشت. در قالب این طرح کلی، هر یک از قرارگاههای عمل کننده به جزئیات وارد شدند و طرح عملیاتی مشخصی را تنظیم کردند.

در مرحله نخست، قرارگاه قدس سرپلی به عمق خاکریز دوم دشمن تعیین کرد تا با حداکثر استعداد خود، شامل قرارگاههای فرعی قدس ۲، ۳، ۴، ۵ (متشکل از واحدهایی از سپاه و ارتش) وارد عمل شود. در این مرحله، قدس ۱ در احتیاط قرار داشت. در مرحله دوم، هدف قرارگاه مزبور گسترش سرپل و تأمین خط عمومی جفیر و پادگان حمید تعیین شد که به دلیل گستردگی منطقه، باید از تمامی توان خود

بهره می‌جست. تصرف نشو و تأمین ساحل شرق اروند بنابه دستور قرارگاه مرکزی در مأموریت نهایی این قرارگاه قرار داشت، اما برای انجام این مأموریت برنامه‌ریزی دقیقی صورت نگرفته و یگانهای مشخصی محاسبه نشده بود.

مأموریت قرارگاه فتح نیز متناسب با طرح کلی عملیات طراحی شد. در مرحله نخست، قرارگاه مزبور با بهره‌گیری از چهار قرارگاه فرعی خود (فتح ۴ جناح راست، فتح ۱ وسط، فتح ۳ جناح چپ و فتح ۲ احتیاط و آماده عملیات در مرحله بعد)، در جناح میانی از دو نقطه رودخانه کارون عبور و ضمن شکستن خط به تصرف سرپل اقدام می‌کرد. در مرحله دوم و سوم، نیز به سمت مرز بین المللی پیشروی و با توجه به شرایط، به سمت شط العرب در شرق بصره و تأمین آن حرکت می‌کرد. باید یادآور شد که در این دو مرحله، قرارگاه یاد شده از تمامی توان خود بهره می‌گرفت.

فتح خرمشهر که در مجموع، اصلی‌ترین هدف عملیات بیت المقدس محسوب می‌شد، در مأموریت قرارگاه نصر قرار داشت. این قرارگاه ضمن شرکت در عملیات تصرف سرپل در غرب کارون از شمال و غرب، خرمشهر را دور می‌زد و آن را به تصرف در می‌آورد. پاک‌سازی منطقه شمال شرقی شهر حد فاصل غرب کارون تا جاده آسفالت اهواز - خرمشهر و رسیدن به مرز در منطقه شلمچه و شمال آن از جمله مأموریت‌های قرارگاه نصر بود. در مجموع، این قرارگاه با بهره‌گیری از سه قرارگاه فرعی نصر ۱ و ۲ و ۳ خود متشکل از یگانهای ارتش و سپاه و در دو مرحله وارد عمل می‌شد. همچنین، بنا به شرایط و نتایج عملیات، تصرف تنومه و تأمین حاشیه شرقی شط العرب در آن سوی مرز بر عهده این قرارگاه قرار داشت. با این حال، برای این قسمت از عملیات کار عمده‌ای در طراحی و چگونگی عملیات صورت نگرفت.

جدول مقایسه استعداد نیروی خودی و دشمن در عملیات بیت المقدس

عنوان	عراق	ایران	ارتش	سپاه
سازمان لشکر	۸ لشکر	۶ لشکر	۳ لشکر	۳ لشکر
نیبهای مستقل	۲۰ نیب	۴ نیب	۴ نیب	-
مجموع استعداد زرهی (به نیب)	۱۱ نیب	۹ نیب	۸ نیب	۱ نیب
مجموع استعداد مکانیزه (به نیب)	۷ نیب	حداکثر ۱ نیب	۱ نیب	-
مجموع استعداد پیاده (به نیب)	۲۶ نیب	۱۸ نیب	۶ نیب	۱۲ نیب
استعداد گردانهای زرهی	۴۱ گردان	۲۸ گردان	۲۵ گردان	۳ گردان
استعداد گردانهای مکانیزه	۳۲ گردان	۴ گردان	۳ گردان	۱ گردان
استعداد گردانهای پیاده	۹۸ گردان	۱۲۰ گردان	۲۰ گردان	۱۰۰ گردان

شرح عملیات

با بازسازی سریع یگانها و کسب آمادگیهای لازم، عملیات بیت المقدس پس از گذشت یک ماه از پایان عملیات فتح المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۳۶۷/۲/۱۰، با رمز یا علی ابن ابی طالب (ع) آغاز شد.

مرحله اول: آغاز پیشروی

نیروهای اسلام متشکل از ارتش، سپاه و بسیج در همان نخستین ساعتها موفق شدند از دو محور، با عبور از رودخانه عریض کارون و کرخه نور با دشمن درگیر و ضمن انهدام نیروی آن، به سرعت به سمت اهداف خود پیشروی کنند. در جبهه کارون، رزمندگان از سرعت کافی برخوردار بودند و یگانهای قرارگاههای فتح و نصر موفق شدند تاجاده آسفالت

جدا از آزادسازی خرمشهر، انهدام نیروهای دشمن، آزادسازی نیروهای خودی و دستیابی به خطوط پدافندی جدید برای کسب شرایط لازم جهت انجام حمله نهایی، از دیگر اهداف عملیات بیت المقدس بود

اهواز - خرمشهر و هدف اصلی مرحله نخست (تصرف سرپل) پیشروی کنند. در این زمان، بین نیروها الحاق کامل صورت نگرفته و دشمن رخنه‌هایی را میان نیروهای خودی حفظ کرده بود.

در جبهه کرخه نور، حرکت نیروهای قرارگاه قدس سرعت لازم را نداشت. در این جناح، به رغم عبور نیروها از استحکامات و موانع متعدد دشمن واقع در جنوب رودخانه و شکسته شدن خطوط مقدم عراقیها، به دلیل فقدان هماهنگی لازم بین یگانهای عمل کننده به هنگام پیشروی تعدادی از نیروهای دشمن در پشت نیروهای خودی باقی ماند و الحاق نیروها، صورت نگرفت. در چنین شرایطی، هنگامی که قرارگاه موقعیت را مناسب ندید و ضدحملات عراق آغاز شد، به یگانهای عمل کننده دستور عقب نشینی و استقرار در نخستین خاکریز دشمن (به عنوان حداقل پیشروی در عمق) را داد. بر این اساس، یگانهای قرارگاه قدس تا پیش از ظهر روز نخست عملیات، سرپل کم عمق و محدودی را بدون الحاق با یکدیگر در جنوب کرخه حفظ و خود را برای گسترش

موقعیت و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده آماده کردند.

آغاز پاتکهای دشمن

زمانی پاتکهای شدید دشمن در جبهه‌های غرب کارون و جنوب کرخه با پشتیبانی سنگین آتش توپخانه و هواپیما آغاز شد که نیروهای خودی سرگرم رفع کاستیها، انجام الحاقات لازم و پاک‌سازی دشمن و تثبیت اهداف مرحله نخست بودند. بر این اساس، تلاش عمده عراق صرف تقویت شکافها و گسترش رخنه‌های نیروهایش برای عقب راندن رزمندگان از جاده اهواز - خرمشهر و جنوب کرخه نور شد. دشمن با سرازیر کردن نیروها و امکانات بسیار زیاد به منطقه عملیاتی شرایط بسیار دشواری را برای رزمندگان اسلام فراهم آورد. نخستین پاتک سنگین دشمن با هماهنگی تیپ ۱۶ زرهی، تیپ ۴۹ پیاده و نیروهای لشکر ۵ با کمک یک گردان نیروی ویژه از قسمت جنوب کرخه آغاز شد که در نتیجه آن، قرارگاه قدس به اجبار، تمامی نیروهای خود را تا نخستین خاکریز دشمن به عقب برگرداند.

در منطقه عملیاتی غرب کارون، پس از آنکه نیروهای قرارگاه فتح و نصر موفق شدند شرق جاده خرمشهر را تأمین کنند، دشمن به تجدید سازمان نیروهای خود در غرب جاده و نزدیکی مرز شلمچه اقدام و نخستین پاتک سنگین خود را در این منطقه با واحدهای تانک باقی مانده از لشکر ۳ زرهی و تیپ ۲۶ آغاز کرد. نیروهای عراقی برای بازپسگیری سرپل تصرف شده از سوی رزمندگان اسلام، که در حد فاصل ۶۸ تا ۱۰۳ جاده اهواز - خرمشهر واقع است، افزون بر بهره‌گیری از یگانهای مزبور، لشکر ۱۰ زرهی و یک تیپ از لشکر ۹ و تیپ ۱۰ زرهی خود را به کار گرفتند و دیوانه وار به مواضع نیروهای اسلام حمله کردند. فشار دشمن به قدری زیاد بود که بارها، تانکهای آنها تا نزدیکی خاکریز رزمندگان پیشروی کرد، اما مقاومت و از خود گذشتگی نیروهای خودی پس از گذشت چهار تا پنج روز به نتیجه رسید و سرپل مهم غرب کارون تثبیت شد.

در جبهه کرخه نور، به دلیل محدودیت سرپل و کمبود سلاحهای سنگین و ضد تانک و در نتیجه، عدم پشتیبانی مناسب نیروهای خودی، پاتکهای دشمن به رغم مقاومتیهای شدید نیروهای اسلام به نتیجه رسید و این نیروها تا ظهر روز دوم به عقب رانده شدند. هرچند در این محور، مقاومت نیروهای اسلام ظاهراً، در تثبیت منطقه مؤثر واقع نشد، اما به دلیل مشغول کردن دولشکر قوی ارتش عراق (۵ و ۶) و انهدام نیروهای عراقی در این منطقه موجب شد که آنها نتوانند

نیروهای خود را در محور غرب کارون تقویت و امکانات اجرای آتش پشتیبانی هوایی خود را بر آن محور متمرکز کنند.

مرحله دوم

در این مرحله، آزادسازی خرمشهر از دستور کار عملیات خارج و مقرر شد که پس از رسیدن به مرز بین المللی و تأمین آن، به این اقدام کلیدی و مهم مبادرت شود. بر این اساس، قرارگاههای فرعی فتح ۱ و ۳ و نصر ۱ و ۳ مأموریت یافتند تا به تأمین خط مرزی حدفاصل تقاطع جاده حسینی تا دژ مرزی در شمال و کانال آبی عمود بر جاده اهواز خرمشهر تا مرز (کیلومتر ۱۰۵) در جنوب بپردازند. در این مرحله، به قرارگاه قدس مأموریت محدودی برای تصرف سرپل در جنوب کرخه واگذار شد که در صورت موفقیت، به گسترش آن اقدام کند. باید یادآور شد که در مرحله مزبور، به دلیل احتمال عدم موفقیت و امکان دادن تلفات زیاد مأموریت عمده ای به این قرارگاه واگذار نشد.

با توجه به حساسیت فوق العاده زمان، یگانها پس از شناساییهای نه چندان دقیق و کسب آمادگی کامل، در ساعت ۲۲:۳۰ شبانگاه ۱۳۶۷/۲/۱۶، تهاجم خود را با رمز یا علی بن ابی طالب (ع) به سمت مرز آغاز کردند. سرعت عمل رزمندگان در این مرحله موجب شد تا آنها ضمن انهدام نیرو و امکانات دشمن، ۱۷ کیلومتر از مرز جمهوری اسلامی در حدفاصل جاده حسینی تا شمال شلمچه را آزاد و تأمین کنند و نیروهای اسلام همچنین، موفق شدند به رغم تحمل سختیهای بسیار، با یکدیگر الحاق کنند و به تثبیت مواضع فتح شده بپردازند.

در این مرحله، دشمن نیز بی کار ننشست و با سرازیر کردن نیرو و امکانات خود به منطقه درگیری، پاتکهای شدیدی را در برابر رزمندگان تدارک دید. آنها از جناحهای مختلف کوشیدند تا بار خننه در صفهای رزمندگان اسلام آنان را به عقب نشینی وادار کنند، اما مقاومت جانانه نیروها، به ویژه رزمندگان بسیجی در نهایت، دشمن را از این اقدام منصرف کرد.

از سوی دیگر، نحوه پیشروی نیروهای خودی به سردرگمی نیروهای عراقی در درک هدف اصلی عملیات بیت المقدس در اینکه خرمشهر یا کانال ماهی گیری و بصره هدف است، افزوده بود. نیروهای دشمن که می دانستند در حال حاضر، هیچ چیزی نمی تواند مانع از پیشروی سیل خروشان نیروهای رزمنده شود، به این نتیجه رسیدند که در صورت مقاومت و تداوم حضور در منطقه نیروهای لشکر ۵

و ۶ مستقر در جنوب کرخه نور، جفیر پادگان حمید به محاصره در خواهد آمد و آنها اسیر خواهند شد. بدین ترتیب، عراق در اقدام سریعی به نیروهای مستقر در جنوب کرخه دستور عقب نشینی داد. این اقدام بدین منظور انجام شد تا آنها ضمن نجات ۲ لشکر ۵ و ۶ از محاصره و انهدام، محور خرمشهر و بصره را هرچه بیشتر تقویت کنند. بر این اساس، از بامداد روز ۱۳۶۷/۲/۱۸، عقب نشینی لشکر ۵ و ۶ همراه با ساز و برگ نظامی از منطقه مورد نظر آغاز شد و لشکرهای یاد شده به سرعت، به پشت مرز حدفاصل طلائی تا کوشک و سپس، جاده حسینی انتقال یافتند. تسریع و تعجیل عراقیها در عقب نشینی به میزانی بود که آنها به هنگام فرار موفق نشدند تعدادی از نیروهای خود را پیدا کنند که در نتیجه، به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند، ضمن آنکه، دشمن تعدادی از امکانات سبک خود را نیز بر جای گذاشت.

بلافاصله، پس از عقب نشینی نیروهای دشمن، نیروهای قرارگاه قدس به تعقیب آنان پرداختند و جاده اهواز - خرمشهر (تا انتهای جنوب سرپل در محور قرارگاه نصر) و مناطقی، مانند هویزه، جفیر و پادگان حمید آزاد شدند. در اثر این تحولات، نیروهای جمهوری اسلامی در چهل کیلومتری شمال خرمشهر و ده تا دوازده کیلومتری شمال شلمچه (عقبه) نیروهای دشمن مستقر در خرمشهر) قرار گرفتند. بر این اساس، تصور اینکه نیروهای عراقی از خرمشهر عقب نشینی کنند، در میان فرماندهان نیروهای اسلام قوت یافت، اما اقدامات بعدی دشمن خلاف تحلیل آنان را ثابت کرد؛ چرا که عراق از طریق تمرکز نیروهای خود در محور شلمچه تا خرمشهر جبهه ای قوی در مقابل نیروی اسلام ایجاد کرد و کوشید تا با تمام توان موقعیت خود را در خرمشهر تثبیت کند. پس از این بود که محور خرمشهر و شمال و غرب آن به صحنه رویارویی نیروهای مسلح دو کشور تبدیل شد.

مرحله سوم

مرحله سوم عملیات و حرکت به سمت خرمشهر با این تحلیل از دشمن در دستور کار نیروهای رزمنده قرار گرفت که تصور می شد نیروهای عراقی مستقر در این منطقه در شرف فروپاشی و از هم پاشیدگی واقع شده اند. در این مرحله، قرارگاه نصر مأموریت یافت تا به رغم بازسازی ناقص یگانهای زیر، با بهره گیری از آنها وارد عمل شود:

- تیپهای ۴۶ فجر و ۲۲ بدر از سپاه که پس از عملیات مرحله نخست به مدت ده روز در حال بازسازی بودند.
- تیپ ۲۵ کربلا (سپاه) و ۵۵ هوابرد (ارتش) که در مرحله دوم

مرحله چهارم

موفق نشدن مرحله سوم عملیات باعث شد تا طراحی مرحله چهارم عملیات با هدف محاصره و تصرف شهر خرمشهر با دقت و وسواس بیشتری انجام شود. در این مرحله، برای ادامه حمله به جای یک قرارگاه، سه قرارگاه فتح، نصر و فجر در نظر گرفته شد که هر قرارگاه با دو قرارگاه فرعی خود وارد عمل می شدند. بر اساس طرح مانور، مقرر شد قرارگاه نصر با اجرای حمله در امتداد مرز به سمت جنوب ضمن مسدود کردن جاده شلمچه خود را به نهر خین در رودخانه اروند برساند. در جناح میانی، لشکر فجر باید در امتداد نهر عریض به سمت اروند اجرای تک می کرد و قرارگاه فتح نیز مسئولیت عملیات در امتداد جاده اهواز - خرمشهر و آزادسازی خرمشهر را بر عهده داشت.

در حالت پدافندی قرار داشتند و بارها، هدف هجوم پاتکهای دشمن واقع شده بودند.

- تیپ ۳۱ عاشورا (سپاه) و تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه (ارتش) که آمادگی بهتری نسبت به دیگر یگانها داشت.

نیروهای عمل کننده در آخرین ساعتهای روز ۱۳۶۷/۲/۱۹، مرحله سوم عملیات را آغاز کردند، اما برتری نیروهای دشمن و عوامل دیگر موجب شد تا رزمندگان اسلام توفیق چندانی نیابند. عملیات در شب بعد (۱۳۶۷/۲/۲۰) نیز تکرار شد، اما مجدداً، بدون توفیق به پایان رسید، ضمن آنکه در این مرحله از عملیات، ۱۵ افسر، ۵۴ درجه دار و ۲۱۵ سرباز عراقی به اسارت نیروهای ایران درآمدند و نیروهای خودی نیز خسارتهایی را متحمل شدند. جمع بندی این مرحله از عملیات نشان داد که نیروهای عمل کننده از آمادگی لازم

طی عملیات بیت المقدس شهر خرمشهر آزاد شد و ۵۴۰۰ کیلومتر از اراضی جمهوری اسلامی از اشغال دشمن خارج گشت، همچنین در حدود ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی نیز تأمین شد

سرانجام، مرحله چهارم عملیات پس از تمهیدات و تهیه مقدمات طی ده روز، در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۳۶۷/۳/۱، با هدف نهایی آزادی خونین شهر آغاز شد. در آغاز کار، به رغم اجرای نبردی رودررو و جبهه ای بانبروهای عراقی، پیشروی نیروها در منطقه ای به طول سیزده کیلومتر به خوبی و با موفقیت انجام گرفت و قرارگاه نصر توانست جاده غرب خرمشهر را در محور شلمچه مسدود کند. همچنین، در میانه جبهه قرارگاه فجر، موفق شد ضمن تأمین پل نو نیروهای خود را به کناره اروند رود برساند. در این مقطع، قرارگاه فتح به دلیل حساسیت بیش از حد دشمن نتوانست از سرعتی همچون محورهای دیگر برخوردار شود.

با موفقیت موج نخست یگانهای خودی انبوه نیروهای دشمن در شرق نهر عریض به محاصره درآمدند. بر این اساس، قوای بعثی برای شکستن حلقه محاصره طرح پاتکهای هم زمان از غرب (شلمچه) و شرق (خرمشهر) منطقه تدارک دیدند تا ضمن انهدام نیروهای رزمنده در محور شهر عریض و پل نو، ارتباط نیروهای محاصره شده در خرمشهر را با دیگر نیروها برقرار کنند. در این شرایط، روحیه نیروهای محاصره شده به شدت کاهش یافت و بیشتر آنها وحشت زده به نظر می رسیدند. با تنگ تر شدن حلقه محاصره و بی نتیجه ماندن پاتکهای متعدد عراق، آنها به نیروهای مستقر در مثلث

برخوردار نیستند و اجرای عملیاتی موفقیت آمیز مستلزم شرایطی است که به طور طبیعی، به مرور زمان کسب می شود. عراق نیز که در این اوضاع به شدت به کسب روحیه و کمک حامیان خود نیاز داشت، با بازپسگیری پاسگاه شهابی در محور طلائیه مانور تبلیغاتی وسیعی را با بهره گیری از خبرنگاران خارجی آغاز کرد و به دنبال آن نیز پاتکهای سنگینی را در محور حسینیه تدارک دید.

برای نمونه، عراق در یکی از پاتکهای سنگین خود در ساعت ۵:۰۰ با مباداد روز ۱۳۶۷/۲/۲۹ از ۵ تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده اش به همراه هزار نفر از نیروهای جیش الشعبی بهره گرفت که سرانجامی نداشت و با به جا گذاشتن ۱۶ دستگاه تانک، ۴ دستگاه نفربر و ۲۱ تن اسیر و تعداد زیادی کشته به اجبار، عقب نشینی کرد. در مجموع، این نوع اقدام عراق نیز بیش از چند روز ادامه نیافت و با تصرف مجدد پاسگاه شهابی از سوی رزمندگان اسلام و شکست پاتکهای نیروهای بعثی به پایان رسید.

برای آغاز مرحله چهارم عملیات، فرصت ده روزه ای در نظر گرفته شد و در این مدت، قرارگاه فجر سپاه که از مأموریت خود^(۱) در منطقه عملیاتی فتح المبین فارغ شده بود، به منطقه عملیاتی بیت المقدس وارد شد و تپه های المهدی و امام سجاد (ع) این یگان آماده انجام عملیات شدند.

(۱) هم زمان با دو مرحله نخست عملیات بیت المقدس، قرارگاه فجر متشکل از لشکر فجر (سپاه) و ۷۷ خراسان (ارتش) در منطقه عملیاتی فتح المبین اجرای تک کردند و موفق شدند با به اسارت درآوردن ۱۱۵۰ نفر از نیروهای دشمن اهداف مورد نظر را در محدوده حسن قندی، چنانچه و فکه تأمین کنند.

مجموع نیروهای دشمن و میزان خسارت‌های وارد شده بر آنها ارائه شده است.

آسیب وارد شده به یگانهای دشمن

لشکر ۳ زرهی در محور خرمشهر ۸۰ درصد، لشکر ۱۱ پیاده در محور خرمشهر ۸۰ درصد، لشکر ۵ مکانیزه (به دلیل فرار) ۲۰ درصد، لشکر ۶ زرهی (به واسطه فرار) ۲۰ درصد، لشکر ۷ پیاده ۴۰ درصد، لشکر ۹ زرهی ۵۰ درصد، لشکر ۱۰ زرهی ۵۰ درصد و لشکر ۱۲ زرهی ۲۰ درصد آسیب دیدند.

تیپ ۱۰ زرهی ۴۰ درصد، تیپهای ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص خسارت‌های سنگینی را متحمل شدند، تیپهای ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد زرهی و تیپهای ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده تمامی نفراتشان به اسارت درآمدند.

تیپهای پیاده ۴۱۷ و ۶۰۵، ۱۰۰ درصد، تیپهای پیاده ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶ و ۴۱۹، ۵۰ درصد و تیپ ۱۰۹ پیاده، ۶۰ درصد منهدم شدند.

همچنین، از جمله یگانهای دیگر که کم و بیش، ضربه‌هایی را متحمل شدند، می‌توان از سی گروهان کماندو، ده قاطع جیش الشعبی (هر قاطع ۴۵۰ نفر)، گردان شناسایی حطین، گردان شناسایی صلاح الدین، گردان شناسایی حنین و گردان تانک مستقل سیف سعد نام برد.

در مجموع، تعداد کشته‌های دشمن شانزده هزار تا شانزده هزار و پانصد نفر برآورد می‌شود، ضمن آنکه ۱۹ هزار نفر نیز به اسارت درآمدند که به پشت جبهه‌ها تخلیه شدند.

واقع در شمال شرقی شهر خرمشهر دستور عقب نشینی به داخل شهر و آماده شدن برای شرکت در عملیات را دادند. نیروهای مزبور نیز با انهدام بسیاری از مهمات خود به داخل خرمشهر عقب نشینی کردند. در این موقعیت و بر اساس شنوهای موجود از دشمن، نیروهای محاصره شده مقاومت را بیهوده دانستند و تمایل داشتند که خود را تسلیم نیروهای اسلام کنند. تعدادی از فرماندهان نیز بر اساس تأکید عناصر بالاتر بر مقاومت و امکان شکسته شدن حلقه محاصره پافشاری می‌کردند. به هر حال، پاتک دشمن که از غرب (شلمچه) صورت گرفت، به رغم اصرار و توصیه‌های شدید فرماندهان بالاتر به شکست انجامید و به فرار و عقب نشینی قوای بعضی منجر شد. از سوی دیگر، کشته شدن سرهنگ زیدان (فرمانده نیروهای عراقی در خرمشهر) که در اثر انفجار مین صورت گرفت، روحیه نیروهای عراقی را برای مقاومت به شدت کاهش داد. رزمندگان اسلام پیغامهای متعددی را برای محاصره شدگان در مورد تسلیم پخش کردند. فشارهای شدید ناشی از کمبود آب، غذا و مهمات و ضعف روحیه و ناامیدی از شکسته شدن حلقه محاصره در روز سوم خرداد باعث شد تا چند تن از افسران و سربازان عراقی خود را به نیروهای اسلام تسلیم کنند و پس از آن، به تدریج، بر تعداد پناهندگان افزوده و صفهای طولی از نظامیان پناهنده عراق تشکیل شد. بدین ترتیب، تعداد اسیران این مرحله از عملیات به ۱۲۴۰۰ نفر رسید.

سرانجام، خرمشهر که در ساعت ۱۶:۳۰ روز ۱۳۵۹/۷/۴ پس از ۳۴ روز مقاومت به تسخیر دشمن در آمده و لقب خونین شهر به خود گرفته بود با گذشت ۵۷۵ روز اشغال، در ساعت ۱۱:۰۰ روز ۱۳۶۱/۳/۳ در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس در کمتر از ۴۸ ساعت به تصرف نیروهای اسلام درآمد. با پاک‌سازی کامل دشمن از سراسر غرب کارون و جنوب کرخه، خط پدافندی مناسبی از طلائیه تا کوشک و شلمچه و حاشیه شمال اروندرود برقرار شد.

نتایج عملیات

طی عملیات بیت المقدس، که نزدیک به یک ماه به طول انجامید، شهر خرمشهر آزاد شد و ۵۴۰۰ کیلومتر دیگر از اراضی جمهوری اسلامی از اشغال دشمن خارج گشت. همچنین در حدود ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی نیز تأمین شد. در این عملیات، عراق افزون بر نیرو و یگانهایی، که تا پیش از آغاز عملیات در منطقه بیت المقدس داشت، طی عملیات نیز یگانهای جدیدی را به منطقه وارد کرد که در زیر برآوردی از